

## دشواریهای پژوهش در ادبیات فارسی

دکتر یدالله جلالی پندری

عضو هیأت علمی دانشگاه یزد

پژوهشهای علمی در ایران همواره با سختی‌ها و دشواریهایی رو به رو بوده است و آنها که در این راه گام نهاده‌اند البته به انگیزهٔ دلبستگی و عشق فراوانی که داشته‌اند، از دشواریها نهراسیده، عاشقانه خدمات بزرگی انجام داده‌اند. تحقیقات ادبی نیز از این قاعده مستثنی نیست. از زمان علامه قزوینی تاکنون، آنها که کارهای ارزشمندی در این زمینه انجام داده‌اند کمتر از امکانات و موقعیتهای آماده و مهیا بهره‌مند بوده‌اند. اما در زمانهٔ ما، دشواریهای زندگی آنچنان به اوج رسیده که همّت‌ها را کوتاه ساخته و وضعیّت به گونه‌ای در آمده است که آنها که در راه تحقیق قدم می‌گذارند با نخستین دشواری، صحنهٔ تحقیق را رها کرده، به کارهای سهل‌الوصول‌تر، از جمله تدریس، رو می‌آورند. بنابراین، به نظر می‌رسد اگر امکاناتی فراهم گردد که این دشواریها به حداقل رسانده شود، آنگاه می‌توان امیدوار بود که عرصهٔ تحقیقات ادبی که هر روز از سواران ممتاز خالی می‌شود، کم‌کم همچون گذشته پر رونق شود و از این راه، خدمتی شایسته به فرهنگ و ادب این مرز و بوم انجام گردد.

در ذیل دشواریهای تحقیقات ادبی را در دو بخش هیأت علمی و دانشجویان مورد

بررسی قرار می‌دهیم:



## الف) دشواریهای اعضای هیأت علمی دانشگاهها

با گسترش آموزش عالی در ایران و گسترش بی‌رویه آن در دوره کنونی، در نقاط دور افتاده دانشگاهها و یا شعباتی از دانشگاههای سراسری تأسیس گردیده که عده‌ای از دانش‌آموختگان صاحب مدرک را نیز در خود جمع کرده است. از آنجا که رشته ادبیات فارسی در نظر مؤسسان چنین دانشگاههایی رشته‌ای سهل‌الوصول است، زیرا نه به آزمایشگاه نیازمند است و نه در نظرگاه آنها مدرّسان متخصص می‌خواهد، به این سبب نخستین رشته‌ای که در این دانشگاهها (از جمله پیام نور و دانشگاه آزاد) راه‌اندازی شده، رشته ادبیات فارسی است.

شعبه‌هایی از این دانشگاهها که در نقاط دور افتاده تأسیس شده‌اند اغلب فاقد کتابخانه تخصصی مجهزند و در بسیاری از موارد، مدرّسان چنین دانشگاههایی از دسترسی به منابع عادی و معمولی ادبیات فارسی مثل فرهنگها، تاریخ ادبیات‌ها و متون نظم و نثر در مضیقه قرار دارند و مصیبت بزرگ آنجاست که در شعبه‌هایی از این دانشگاهها که با بلندپروازی تمام به تأسیس دوره فوق لیسانس همت گمارده‌اند، وضعیتی از این هم اسف‌بارتر است؛ زیرا در شهرهایی که مدرّسان این رشته به منابع لازم دسترسی ندارند، چگونه می‌توان از دانشجو توقع داشت که برای تحقیق خود سنگ تمام بگذارد و همه منابع را از پیش چشم بگذراند.

علاوه بر این مشکل که بیشتر در نقاط دور افتاده به چشم می‌خورد، در دانشگاههای بزرگ و نیمه بزرگ نیز مشکلات دیگری بر سر راه محقق ادبیات فارسی قرار دارد که یکی از آنها ضعف کتابخانه‌های دانشگاهی در فراهم آوردن کتابهای تازه و تحقیقات نوین در زمینه ادبیات فارسی است. حتی در کتابخانه‌های بزرگ دانشگاهی، مانند کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، این نقص بزرگ مشاهده می‌شود که کتابهای تازه انتشار یافته بعد از یکی دو سال به



کتابخانه می‌رسند و یا بعضی از آنها اصلاً به کتابخانه نمی‌رسند. از این رو، به نظر می‌رسد اگر وزارت علوم دانشگاهها را ملزم سازد که کتابخانه‌های خود را از نظر کتابهای تازه انتشار یافته مجهز سازند، گام بزرگی در رفع این نقص برداشته خواهد شد و البته فراهم آوردن امکانات مالی خرید کتاب قبل از این الزام ضرورت دارد.

همچنین در زمینه فراهم آوردن همه مجلات مرتبط با موضوع ادبیات فارسی، کوشش دانشگاهها بسیار نارساست، به نحوی که بسیاری از مجلات که در زمینه فرهنگ و تاریخ و نیز ادبیات فارسی انتشار می‌یابند هیچگاه به کتابخانه‌های دانشگاهی راه پیدا نمی‌کنند و طبعاً، هم اعضای هیأت علمی و هم دانشجویان از دسترسی به مطالب آنها محروم می‌مانند.

علاوه بر کتابهای تازه و مجلات روز، مشکل بزرگ دیگری که بر سر راه محقق ادبیات فارسی حتی در شهر بزرگی مانند تهران قرار دارد دسترسی به کتابها و مجلاتی است که در سالیان گذشته انتشار یافته‌اند. در این مورد، هر چند کتابخانه‌ای مانند کتابخانه ملی ایران باید راهگشا باشد، اما با تأسف بسیار باید گفت که این چنین نیست و غالباً به دلایل گوناگون از قبیل فرسودگی کتابها و مجلات قدیمی، جستجوگران ادبیات فارسی از مطالعه این دسته از کتابها محروم می‌مانند. به نظر می‌رسد در این مورد اگر امکاناتی برای دانشگاهها فراهم شود که از کتابها و مجلات قدیمی میکروفیلم تهیه کنند، بخشی از مشکلات محققان ادبیات فارسی مرتفع خواهد گردید.

موضوع دیگری که در این زمینه باید به آن اشاره کرد عدم دسترسی پژوهشگران ادبیات فارسی به کتابها و مجلاتی است که در خارج از کشور به زبان فارسی انتشار می‌یابند. چنانکه همگان آگاهی دارند، با مهاجرت برخی از نویسندگان، شاعران و محققان به خارج از کشور، اکنون در کشورهایی همچون آمریکا، انگلستان، آلمان و حتی سوئد و استرالیا، کتابها و مجلاتی به وسیله این محققان منتشر می‌گردد که آگاهی از این تحقیقات برای پژوهشگران داخل کشور بسیار ضرورت دارد. بنا بر این، شایسته می‌نماید که با تمهیدات لازم، تعدادی از



نسخه‌های کتابها و مجلات مزبور برای کتابخانه‌های دانشگاهی خریداری شود و یا حداقل در راه ورود این کتابها و مجلات به کشور تسهیلاتی فراهم گردد تا اگر کتابخانه‌های دانشگاهی تمایلی به خرید این گونه کتابها و مجلات ندارند، حداقل پژوهشگران مستقلاً بتوانند به تهیه آنها بپردازند. همچنین اگر یکی از مراکز اطلاع‌رسانی وابسته به وزارت علوم، مثلاً سازمان اسناد و مدارک علمی، این وظیفه را عهده‌دار گردد که عناوین تازه‌ترین کتابها و مقاله‌های فارسی منتشر شده در خارج از کشور را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد، خدمت بزرگی به امر تحقیقات در ایران خواهد شد.

چنانکه همه اعضای هیأت علمی رشته زبان و ادبیات فارسی آگاهی دارند، بسیاری از تحقیقات درباره ادبیات فارسی با نسخه‌های خطی متون نظم و نثر مرتبط می‌گردد. کسانی که در این راه کوشش کرده‌اند می‌دانند که چه اندازه دشواری در راه دسترسی محققان به نسخه‌های خطی وجود دارد و اسف‌بارتر آنکه کتابخانه‌های دانشگاهی از قبیل کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که باید در این مورد خدمات بیشتری به اعضای هیأت علمی دانشگاهها عرضه کنند متأسفانه با وضع قوانین محدودکننده، راه دسترسی چنین محققانی را سد کرده‌اند.

بنا بر این، پیشنهاد می‌گردد که:

الف - امکاناتی برای دانشگاهها فراهم گردد تا از نسخه‌های خطی متون نظم و نثر که در کتابخانه‌های دانشگاهی و غیر دانشگاهی محفوظ است میکروفیلم تهیه شود.

ب - مقرراتی وضع شود که دسترسی اعضای هیأت علمی دانشگاهها به نسخه‌های خطی تسهیل گردد. در این مورد، می‌توان کارت ویژه‌ای برای چنین محققانی در نظر گرفت و راه دسترسی آنها را هموار ساخت.

دشواریهایی که ذکر آنها گذشت بر سر راه شروع تحقیقات محققان ادبیات فارسی قرار داشت. اما دشواری بزرگتر در پایان این تحقیقات قرار دارد و آن دشواری چاپ



مقاله‌های تحقیقی است. از آنجا که بر اساس مقررات وزارت علوم، هر عضو هیأت علمی برای تغییر مرتبه علمی باید دارای مقالاتی تحقیقی باشد، این انگیزه باعث برانگیختن عده‌ای از اعضای هیأت علمی به نوشتن مقالات پژوهشی شده است اما شرطی که وزارت علوم در این زمینه قائل گردیده، نه تنها باعث رواج تحقیقات نشده، بلکه باعث یأس و نومیدی محققان نیز گردیده است. شرط مزبور چاپ مقاله تحقیقی در یکی از مجلات دانشگاهی دارای امتیاز علمی پژوهشی است.

چنانکه اهل فضل آگاهی دارند، مجلات مزبور از یک طرف زمان منظمی برای انتشار خود ندارند و به همین سبب، صاحبان مقالات باید سالها در انتظار چاپ مقاله خود بمانند و از طرف دیگر، تیراژ محدود چنین مجلاتی باعث می‌گردد که محققان ادبیات فارسی رغبتی به انتشار مقاله خود در این گونه مجلات نشان ندهند. علاوه بر اینها، برقراری روابط بجای ضوابط در چاپ مقالات در مجلات دانشگاهی این بحث را مطرح می‌سازد که آیا اصرار وزارت علوم به چاپ مقاله در مجلات دارای امتیاز علمی پژوهشی اصراری پسندیده است و آیا اگر بجای این اصرار، بر بررسی محتوایی مقالات تأکید می‌شد بهتر نبود.

در این مورد، پیشنهاد می‌شود که چون تحقیقات مرتبط با ادبیات فارسی علاوه بر مخاطبان دانشگاهی در سراسر جامعه، در قیاس با رشته‌های دیگر مخاطبان بیشتری دارد و این مخاطبان به مجلات غیر دانشگاهی بیش از مجلات دانشگاهی دسترسی دارند، بنابراین، چاپ مقاله در مجلات غیر دانشگاهی نیز مجاز شمرده شود؛ اما تأیید آن برای کسب امتیاز منوط به کیفیت محتوای مقاله باشد و نه محل چاپ آن.

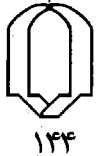
در کنار مشکلاتی که محققان ادبیات فارسی با آن روبه رو هستند مشکلات دیگری هم وجود دارد که باعث می‌شود تا اعضای هیأت علمی دانشگاهها کمتر به تحقیق و پژوهش بپردازند. این مشکل مخصوصاً در سالهای اخیر به نحو گسترده‌ای همه اعضای هیأت علمی حتی مشتاقان تحقیق و پژوهش را نیز در بر گرفته است و آن گرایش مدرسان دانشگاهها به



تدریسه‌های پایان‌ناپذیر است تا مشکلات معیشتی خود را برطرف نمایند. به نظر می‌رسد تا زمانی که اعضای هیأت علمی دانشگاهها از رفاه لازم بهره‌مند نباشند، تحقیقات، و از جمله تحقیقات ادبی، روز به روز کم‌تر و کم‌رنگ‌تر خواهد شد و این ضایعه‌ای برای فرهنگ این سرزمین خواهد بود. از طرف دیگر، اگر در نظام اداری دانشگاهها ارزش و اهمیت ویژه‌ای برای تحقیقات در نظر گرفته شود، اعضای هیأت علمی با رغبت بیشتری به تحقیق روی خواهند آورد.

### ب) دشواریهای دانشجویان

دانشجویان ادبیات فارسی در دوره‌های فوق لیسانس و دکتری از جمله کسانی هستند که هم در طول مدت تحصیل و هم در انتهای تحصیلات خود الزاماً به تحقیق در زمینه ادبیات فارسی می‌پردازند. آنچه اکنون از بررسی رساله‌های تحصیلی این دانشجویان برمی‌آید آن است که پژوهشهای این دسته از دانشجویان نسبت به دانشجویان دههٔ چهل یا پنجاه، بسیار سطحی و ضعیف است. اگر در نظر آوریم که کتابهایی همچون «حماسه‌سرایی در ایران»، تحقیق در «وزن شعر فارسی» و «صور خیال در شعر فارسی» پایان‌نامه‌های تحصیلی دانشجویانی همچون دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر خانلری و دکتر شفیعی کدکنی بوده است، آیا امروز چه کتابهایی هم سطح با کتابهای مزبور داریم که از پایان‌نامهٔ تحصیلی برخاسته باشد؟ نخستین دشواری در زمینهٔ پژوهشهای دانشجویان، فقدان ابتکار در آنهاست. بسیاری از دانشجویان فوق لیسانس و دکتری ادبیات فارسی به آن مرحله از پخته‌خواری رسیده‌اند که رونویسی از مطالب دیگران را پژوهش ادبی می‌پندارند. در این مورد، وظیفه‌ای دشوار بر عهدهٔ استادان راهنمای چنین دانشجویانی قرار دارد تا با دقت نظر خود، جلو هر گونه سهل‌انگاری دانشجویان را بگیرند.



دشواری دیگر وجود موضوعهای تکراری و یا موازی پایان نامه‌هاست که در رساله‌های دانشجویان ادبیات فارسی به چشم می‌خورد. از آنجاکه نظام دانشگاهی ما هنوز به یک نظام خبررسانی علمی دست نیافته است و خدمات سازمان اسناد و مدارک علمی نیز بسیار نارسا و ناکافی است، بنابراین، چگونه می‌توان توقع داشت که در یک زمان، دو یا چند دانشجو با موضوع واحدی رساله ننویسند و یا رساله‌ای ننویسند که چندین سال قبل در همان موضوع رساله دیگری نوشته شده است؟ بنابراین پیشنهاد می‌گردد که از یک طرف، نظام اطلاع‌رسانی وزارت علوم تقویت گردد و از طرف دیگر، دانشگاهها ملزم گردند تا درباره موضوع رساله از مرکز اطلاع‌رسانی وابسته به وزارت علوم استعلام نمایند.

به سبب همین ضعف در اطلاع‌رسانی است که اکنون موضوع رساله‌های سرقت شده مطرح می‌شود. براساس شنیده‌ها، در چندین مورد رساله‌ای که در یک دانشگاه از آن دفاع شده، بعداً در دانشگاه دیگری به وسیله فرد دیگر مطرح و دفاع شده است! آیا اگر این رویه ادامه یابد، دیگر می‌توان به آینده پژوهش در این سرزمین امیدوار بود؟

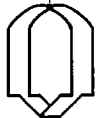
علاوه بر اینها، در شهرهای بزرگ مؤسساتی دایر گردیده‌اند که به دانشجویان دوره‌های فوق لیسانس، مخصوصاً در زمینه علوم انسانی، اعلام می‌نمایند که: «نگران پایان‌نامه خود نباشید!» آیا باگسترش مؤسسات رساله‌نویس و پناه‌بردن دانشجویان ناتوان به این گونه مؤسسات، دیگر می‌توان موضوع تحصیلات تکمیلی در دانشگاهها را افتخاری برای نظام دانشگاهی کشور دانست؟ آیا از نظر حقوقی و قانونی نباید چنین مؤسساتی تحت پی‌گرد قانونی قرار بگیرند و آیا استادان راهنما در این مورد، گناهی مشترک را مرتکب نمی‌شوند؟

در ادامه همین دشواریها باید به دسترسی دانشجویان به منابع لازم اشاره کرد. همانگونه که در بحث مشکلات پژوهشی اعضای هیأت علمی دانشگاهها مطرح شد، اغلب دانشگاهها از نظر دسترسی به کتابها و مجلات روز با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند.



دانشگاههایی که در مناطق دور افتاده، دوره‌های تحصیلات تکمیلی را تأسیس کرده‌اند با مشکلات بیشتری مواجه هستند. زیرا چنین پدیده‌ای که این گونه مراکز تازه تأسیس دارای کتابخانه‌ای مجهز نیستند و اگر هم چنین باشد، از نظر در اختیار داشتن کتابهای قدیمی و کتابهای تازه هیچگاه در حد انتظار نیستند. بنابراین همانگونه که هیأت علمی دانشگاهها از این نظر در محرومیت به سر می‌برند، باید گفت دانشجویان ادبیات فارسی در محرومیت مضاعف قرار دارند.

عده‌ای از دانشجویان ادبیات فارسی که در پایان‌نامه‌های تحصیلی خود به تصحیح متون رو می‌آورند در زمینه دسترسی به نسخه‌های خطی بنا همان مشکلاتی رو به رو می‌شوند که اعضای هیأت علمی با آنها مواجه هستند؛ به نحوی که در سالهای اخیر، رغبت دانشجویان به اخذ چنین موضوعهایی بسیار اندک شده است؛ در حالی که بسیاری از نسخه‌های خطی باید به صورت منقح به مرحله انتشار برسند و از زوایای پنهان کتابخانه‌ها به در آیند.



در این مورد نیز به تأکید باید گفت که لازم است کتابخانه‌های دانشگاهی دست کم برای دانشجویان و اعضای هیأت علمی دانشگاهها از قوانین سخت‌گیرانه خود عدول نمایند و به این نکته عنایت داشته باشند که هدف یک محقق گسترش فرهنگ است و نه حبس کردن آن. با عنایت به آنچه گذشت، نظام پژوهشی دانشگاهها باید متحول گردد و در این تحوّل، اهمیت ویژه‌ای برای پژوهشگر و محقق قائل شود. آنچه در سالهای اخیر در این مورد مشاهده می‌شود بسیار نومیدکننده است و لازم است گام مهمی برای اصلاح این نقیصه برداشته شود.

از طرف دیگر، ادبیات فارسی بخش بزرگی از فرهنگ و تمدن ما را تشکیل می‌دهد و تحقیقات ادبی باعث قوام آن خواهد شد. بنا بر این، هر گامی که در این مورد برداشته شود بسیار مغتنم و ارزشمند خواهد بود.